



قواعد اصولی فقه البیان

جلسه سوم

(نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع)



مدرسه فقهی هدایت

۱۰ بهمن ۱۴۰۲

شهر مبارک قم

اللَّهُمَّ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو پیاده اولیه سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) در جلسه سوم از سلسله جلسات تبیین «قواعد اصولی فقه البیان» (با موضوع نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع) می‌باشد که در تاریخ سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ در شهر مبارک قم برگزار گردیده است.

قواعد اصولی فقه البیان / جلسه سوم



فهرست مطالب:

۱. مروری بر جلسه گذشته: ۱
- ۱/۱. اعطای اختصاصی کلمات جامع به پیامبر اسلام ﷺ؛ یکی از دلایل تأسیسی بودن زبان شارع..... ۱
- ۱/۲. اعطاء اختصاصات دیگر به پیامبر اسلام ﷺ (مانند: نصرت به وسیله رُعب، شفاعت و...) از طرف خداوند و لزوم بازخوانی دائمی این اختصاصات..... ۳
- ۱/۲/۱. بازخوانی ویژگی اختصاصی "نصرت به وسیله رُعب"؛ به عنوان یکی از اختصاصات پیامبر اسلام ﷺ..... ۴
- ۱/۲/۱/۱. حداقلی شدن خونریزی و استفاده از سلاح در جنگ‌ها؛ یکی از فوائد ویژگی اختصاصی "نصرت به وسیله رُعب" به پیامبر اسلام ﷺ..... ۴
۲. سوال اصلی جلسه: نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع چگونه است؟..... ۶
- ۲/۱. عدم دلالت الفاظ شارع بر معانی جامع از باب دلالت لفظ بر اکثر از معنای واحد..... ۶
- ۲/۱/۱. نقض مُبین بودن کلمات شارع و ایجاد اختلال در تفاهم و هدایت و توسعه ابهام؛ نتیجه استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد (و علت عدم دلالت الفاظ شارع بر معانی جامع از باب دلالت لفظ بر اکثر از معنای واحد)..... ۶
- ۲/۲. قائل شدن به دلالت التزامی کلمات شارع بر معانی جامع (مانند: مرحوم آخوند صاحب کفایه)؛ کلامی درست اما اجمالی در تبیین نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع..... ۷
- ۲/۳. تبیین تفصیلی نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع در قواعد اصولی فقه البیان (۷ الگو): ۹
- ۲/۳/۱. اولین الگو: دلالت بر اساس قاعده بیان مبتنی بر «مُکث»..... ۹
- ۲/۳/۲. دومین الگو: دلالت بر اساس قاعده بیان مبتنی بر «رفق»..... ۱۱
- ۲/۳/۳. الگوهای سوم تا هفتم: دلالت بر اساس قاعده‌های بیان مبتنی بر «منزلت»، «انفتاح»، «سیاق»، «کمّ» و «ظرفیت»..... ۱۲
۳. رهایی از ناکارآمدی، تالی فاسد و هلاکت ناشی از تأسی به کلمات بخشی دیگران؛ بخشی از فوائد (بخش تصویر) تبعیت از کلمات جامع شارع..... ۱۴

١٦.....٤. خلاصه جلسه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاخُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

۱. مروری بر جلسه گذشته:

۱/۱. اعطای اختصاصی کلمات جامع به پیامبر اسلام ﷺ؛ یکی از دلایل تأسیسی بودن

زبان شارع

در جلسه گذشته سوالی را در حوزه علم اصول مطرح کردیم و آن عبارت از این بود که آیا زبان شارع محترم (یا به عبارت بهتر: بیان شارع محترم) طبق یک قواعد تأسیسی رقم خورده و تنظیم شده است؟ یا اینکه طبق قواعد عرف زمان تخاطب تنظیم شده است؟ به عبارتی: آیا زبان شارع تأسیسی است؟ یا اینکه امضایی است؟

در جلسه گذشته چند روایت را محضر شما قرائت کردم که دلالت بر این داشت که: یکی از تفاوت‌های کلام شارع و قواعد زبانی شارع، تفاوت در وضع کلمات در زبان و بیان شارع است. روایات ما را به این دلالت دادند که اختصاصاً نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) هستند که با کلمات جامع با دیگران صحبت می‌کنند. در حالی که کلمات وضع شده در زبان‌های دیگر (خصوصاً



در عصرهای متأخر) از وصف جامعیت برخوردار نیستند. روایات ما را به این دلالت دادند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) [حتی] در یک کلام خودشان، دلالت به مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها وجود دارد. در واقع وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) روی یک موضوعی می‌ایستند و بر روی یک کلامی تاکید می‌کنند، مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها در آن کلام نهفته است. در حالی که کلمات وضع شده توسط عرف‌های تخصصی و عُرف‌های عمومی، فاقد این صفت مهم هستند.

پس ما نمی‌توانیم بگوییم که بیان شارع محترم طبق قواعد زبانی عرف‌های زمان مخاطب یا هر عرف تخصصی و عمومی دیگری اتفاق افتاده است. زبان شارع محترم از حیث وضع کلمات (که یک حیث مهم در قواعد زبانی محسوب می‌شود)، چنین اختصاص و چنین تأسیسی [یعنی جامعیت] را در بر می‌گیرد؛ در حالی که زبان‌های دیگر چنین صفتی را ندارند.

اگر در خاطر شما باشد؛ در روایتی که جناب فضل بن شاذان (که توسط امام علیه السلام ممدوح است) از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که: «**أَتَمَّا بُدِئاً بِالْحَمْدِ دُونَ سَائِرِ السُّورِ لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْكَلامِ جُمِعَ فِيهِ مِنْ جَوَامِعِ الْخَيْرِ وَالْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ**» تعبیر امام رضا (علیه‌السلام) به نقل جناب فضل بن شاذان این بود که: مجموعه خیر و حکمتی که در سوره حمد جمع شده است حتی بیشتر از مجموعه خیر و حکمتی است که در سایر الفاظ قرآن و سُور قرآن جمع شده است! سوره حمد در واقع جامع‌ترین کلماتی است که به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و سلم اعطا شده است.

در مورد این ویژگی اختصاصی کلمات وحی، در مجموعه‌ای از آیات و روایات بحث‌هایی مطرح شده که خود شما باید همیشه این مسئله را به عنوان یک موضوع تحقیق، مد نظر خودتان قرار بدهید و راجع به آن با مردم صحبت کنید.

اینکه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و کلمات خودشان دائماً راجع به این وصف اختصاصی خودشان صحبت می‌کنند؛ یعنی ما هم باید در تبلیغ دین همین ویژگی اختصاصی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) را دائماً با مردم در میان بگذاریم و راجع به آن با مردم صحبت کنیم.



در واقع وقتی پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) دارند راجع به اختصاصات خودشان و تأسیسات دین خودشان صحبت می‌کنند؛ در واقع دارند تصویر کلان دین خودشان را با مردم در میان می‌گذارند و فواید اصلی این دین را با مردم مطرح می‌کنند.

حالا به مناسبت این که ما داریم در اصول فقه بحث می‌کنیم حتماً باید به مردم بگوییم که یکی از ویژگی‌ها و تأسیسات دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) این است که یک زبان اختصاصی دارد. شاید اگر عرف‌های تخصصی زبان‌های دیگر بتوانند و بخواهند مجموعه خیرها را بشمرند، مجبورند از کلمات متعدد استفاده کنند؛ اما نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) تأکید دارند که من برای بیان مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها از کلمات جامع استفاده کرده‌ام. یعنی اصطلاحاً پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارند این نکته را تأکید می‌کنند که کلام ایشان در ضمن اینکه قلیل است اما دلالت کثیر بر معانی متعدد دارد و اصطلاحاً به بیان ساده‌تر: کلامشان یک کلام بخشی نیست. این خیلی مهم است که ما به این نکته توجه بدهیم. بنابراین وقتی ما در علم اصول به این نقطه توجه ایجاد نمی‌کنیم و می‌گوییم که زبان شارع زبان امضایی است از این دسته از روایات عبور کرده‌ایم و به آن‌ها توجه نکرده‌ایم. این نکته‌ای بود که ما در جلسه گذشته بحث کردیم.

۱/۲. اعطاء اختصاصات دیگر به پیامبر اسلام ﷺ (مانند: نصرت به وسیله رُعب، شفاعت

و...) از طرف خداوند و لزوم بازخوانی دائمی این اختصاصات

البته من اینجا قبل از اینکه بحث را ادامه بدهم، داخل پراتنز این را تأکید کنم که: تأسیسات دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین خاتم، فقط اختصاص به "تأسیسات حوزه زبان و وضع کلمات" ندارد؛ بلکه همان‌طور که در آن روایت که [در جلسه گذشته] محضر شما خواندم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر روی پنج تأسیس مهم در دین خودشان تأکید کرده بودند؛ همچنین در روایات دیگر تأسیسات و اختصاصات دیگری را مطرح می‌کنند.

در واقع اگر فقیه و طلبه‌ای که فقاهت می‌کند، به نحو "درایه" (نه به نحو "اخباری") به این تأسیسات و اختصاصات توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ نتیجه‌اش این می‌شود که یقین او به کلمات وحی ارتقا پیدا می‌کند و هیچ وقت راضی نخواهد شد که عمر خود را در مطالعه کلمات دستگاه‌های دانشی دیگر (که از "وصف جامعیت" برخوردار نیستند) صرف کند.



وقتی ما این دسته از روایات را دائماً بازخوانی کنیم (که به نظر من جای آن در مقدمه علم اصول است) و راجع به آن با طلبه‌ها صحبت کنیم و بعد طلبه‌ها راجع به این روایات عظیم الشان با مردم صحبت کنند؛ مردم در ضمیرشان و در قلبشان این معنا تثبیت خواهد شد که هرچه دقت بیشتری در کلمات وحی داشته باشند، فائده بیشتری نصیب آن‌ها خواهد شد.

۱/۲/۱. بازخوانی ویژگی اختصاصی "نُصرت به وسیله رُعب"؛ به عنوان یکی از اختصاصات

پیامبر اسلام ﷺ

حالا الآن در مقام این بحث نیستیم؛ اما خود این "مسئله اعطای رُعب [از طرف خداوند] به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قتال‌ها و در جهادها، نیاز به شرح درایه‌ای دارد و خیلی فایده مهمی است. در روایات ما آمده است که: یک حیث و ابزار حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای غلبه جهانی، همین "لشکر رُعب" و "ابزار رُعب" است. خوب است در این زمینه بحث کنیم که اگر یک پیامبری و یک امامی مجهز به "لشکر رُعب" باشد و "مکانیزم‌های ایجاد رُعب" را بداند، اساساً چقدر لشکر کم هزینه‌ای است!

۱/۲/۱/۱. حداقلی شدن خونریزی و استفاده از سلاح در جنگ‌ها؛ یکی از فوائد ویژگی اختصاصی "نُصرت به وسیله رُعب" به پیامبر اسلام ﷺ

در بعضی از روایات مکانیزم‌های ایجاد رُعب در جنگ‌های نظامی بحث شده است. مکانیزم آن منفجر کردن بمب اتم (کما اینکه قدرت شیطانی آمریکا در جنگ جهانی از آن استفاده کرد) نیست؛ بلکه یک مکانیزم اختصاصی دارد که به وسیله ملائکه است. وقتی یک پیامبری از این نوع مکانیزم‌ها استفاده می‌کند و سپاه باطل را (که هیچ خیری در آن نیست و جامع شر است) از میدان به در می‌کند؛ یعنی بدون خونریزی یا با خونریزی کمتر برای دستگاه حق، غلبه ایجاد می‌شود.

پس لشکر رُعب و ابزار رُعب، مظهر رحمت الهی است که باعث می‌شود قلوب متفرق کفار، متفرق‌تر شود و اجتماعشان کاسته شود. بنابراین در این میان مجموعه‌ای از انسان‌های بی‌گناه و حتی باگناه کشته نشوند و دستگاه ایمان با یک هزینه بسیار پائینی غلبه پیدا کند.

حالا شما تصور کنید [که اگر] ما به این لشکر مجهز نباشیم، آنگاه مجبور می‌شویم مقدار زیادتری از "سلاح" استفاده کنیم. اگر در معنای "نصر به رُعب" که در این روایت اشاره شد دقت شود؛ معنایش این است که میزان استفاده از سلاح را در جنگ‌ها کاهش می‌دهد. ببینید چقدر مکانیزم پیشرفته‌ای است! به هر حال جنگ و قتال اجتناب‌ناپذیر است؛ حالا نصر به رُعب (که به پیامبر عظیم الشان



اسلام اختصاص دارد) کمک می‌کند تا غلبه در قتال‌ها و جنگ‌ها با میزان کمتری از "خونریزی" و میزان استفاده کمتری از "سلاح" رقم بخورد.

اگر ما در این کلمات، "درایه" کنیم، آنگاه ارزش دین پیامبر(صلی الله علیه و آله) در قلوب همه ما تثبیت می‌شود. [پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)] چه شخصیت عظیم الشان و بزرگواری بودند! که حتی در قتال هم که طرف مقابل، شایسته "حذف" است و باید عواقب اعمال ناشایسته خودش را پس بدهد؛ پیامبر(صلی الله علیه و آله) یک مکانیزم‌هایی را استفاده می‌کند که میزان استفاده از "سلاح" به حداقل برسد!

منتها این ارزش‌های دین پیامبر(صلی الله علیه و آله) آن موقعی واضح می‌شود که ما در این روایات درایه و دقت کنیم. اگر این کارها را انجام ندهیم، حتی طلبه‌های ما هم ممکن است فکر کنند که دستگاه دانشی پیامبر هم یک دستگاه دانشی مثل سایر دستگاه‌ها است! به اصطلاح رایج برخی از درس‌های اصول می‌گوییم: پیامبر(صلی الله علیه و آله) هم **احدٌ من العقلاء** است! حالا اگر یک لطفی هم به پیامبر(صلی الله علیه و آله) کردیم می‌گوییم: بلکه پیامبر(صلی الله علیه و آله) **رئیس العقلاء** است! با این نوع از اصطلاحات نمی‌توانیم مزیت‌های عقلانی دستگاه پیامبر (که اختصاص به ایشان دارند) را برای مردم تبیین کنیم.

حالا در بحث "شفاعت" هم همین‌طور است. در سایر بحث‌ها هم همین‌طور است.

این اختصاصاتی را که نبی مکرم اسلام(صلی الله علیه و آله) دارند که با تعبیر «اعطانی» (یعنی: به من اعطا شده ولی به دیگران اعطا نشده است) بر آن تاکید کرده‌اند؛ باید کاملاً شرح داد. حالا ما یک توفیق مختصری پیدا کرده‌ایم و در این دوره بحثی می‌خواهیم مسئله اختصاصی دین پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زمینه زبان شارع که **جوامع الکلام** است را اندکی شرح بدهیم. بحث را می‌گذاریم ان شاء الله برای وقت دیگری. حالا من بحث را ادامه بدهم.



۲. سوال اصلی جلسه: نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع چگونه

است؟

یک سوال تکمیلی اینجا مطرح می‌شود و آن عبارت از این است که: اگر ما گفتیم که کلمات پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کلمات جامعی هستند؛ به این معنا که: یک کلمه از کلمات پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هم‌زمان بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها دلالت دارد. حالا اینجا یک سوال فنی مطرح می‌شود که: نحوه دلالت "جوامع الکلام" بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها چگونه است؟ یعنی: چه طور می‌شود که یک کلام از کلمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها دلالت داشته باشند؟

۲/۱. عدم دلالت الفاظ شارع بر معانی جامع از باب دلالت لفظ بر اکثر از معنای واحد

یک احتمال این است که بگوییم که در کلمات جامع پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا در جوامع الکلام، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد اتفاق افتاده است همان‌طور که می‌دانید بعضی از فقهای ما مثل مرحوم آیت الله خویی و دیگران به این سمت میل پیدا کرده‌اند و این احتمال را مطرح کرده‌اند که الفاظ دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مقام واحد در اکثر از معنای واحد وضع شده است. و راجع به این احتمال بحث کردند. این یک احتمال است.

خب؛ اگر ما این احتمال را بپذیریم یک مشکلی پیش می‌آید و آن این است که: اگر یک لفظی در اکثر از معنای واحد استعمال بشود، تفاهم کلام شارع دچار اختلال خواهد شد. و این خلاف مبیین بودن است. یعنی: اگر ما بپذیریم که یک لفظی هم‌زمان بر چند معنا دلالت کرد؛ [نتیجه این حرف این می‌شود که:] این [الفاظ شارع] به جای اینکه "هدایت" ایجاد کند برعکس "اختلال در تفاهم و تبیین" ایجاد می‌کند! این خیلی مسئله مهمی است که: واقعاً وقتی ما تصور می‌کنیم که قرار است یک لفظی هم‌زمان بر چند معنا دلالت کند؛ به نظر ما نتیجه‌اش "هدایت" و "تبیین" نمی‌شود؛ بلکه نتیجه‌اش توسعه ابهام خواهد شد! چون آدم نمی‌داند که آن لفظ وقتی توسط مخاطب استعمال و استخدام می‌شود، دقیقاً بر کدام یک از این معانی متعدد دلالت پیدا می‌کند.

خوب البته فضایی محترم می‌دانند که این یک بحث مهمی در علم اصول است و بسیاری از بزرگان به این نوع از دلالت یک لفظ واحد بر معانی متعدد اشکالاتی وارد کرده‌اند. از جمله مرحوم نائینی یا

۲/۱/۱. نقض مبیین بودن کلمات شارع و ایجاد اختلال در تفاهم و هدایت و توسعه ابهام؛ نتیجه استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد (و علت عدم دلالت الفاظ شارع بر معانی جامع از باب دلالت لفظ بر اکثر از معنای واحد)



مرحوم آخوند در کفایه این را نقد کرده‌اند که به نظر ما نقد آن‌ها وارد است و ما نمی‌توانیم این نوع از دلالت را بپذیریم. نه فقط برای کلمات جامع پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که جوامع الکلام است؛ بلکه حتی برای کلمات عُرف‌ها [ی دیگر] هم نمی‌توانیم بپذیریم که یک لفظی هم‌زمان بر چند معنا دلالت داشته باشد.

همان‌طور که گفتم دلیل اصلی ما این است که: اگر چنین فرضی را بپذیریم مُبین بودن و رافع ابهام بودن کلام با خدشه رو به رو می‌شود. حالا تفصیل این بحث [استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد] در علم اصول است و من نمی‌خواهم اینجا بیش از این به آن بپردازم. فقط خواستم اجمالاً بگویم که در فقه البیان نحوه دلالت جوامع الکلام بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها از باب "استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد" نیست. بلکه در فقه البیان یک الگوی متفاوتی از استعمال جوامع الکلام بر معانی متعدد تصویر شده است که در ادامه این جلسه به آن اشاره خواهیم کرد.

۲/۲. قائل‌شدن به دلالت التزامی کلمات شارع بر معانی جامع (مانند: مرحوم آخوند صاحب کفایه)؛ کلامی درست اما اجمالی در تبیین نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع

البته اینجا من تأکید می‌کنم که مرحوم آخوند یک بحثی را در کفایه دارند ذیل این معنا که ما بالاخره [یک مجموعه] روایاتی داریم که تأکید دارند [بر اینکه: «آیات قرآن و البته روایات، دارای هفت بطن هستند!»] یا در بعضی از روایات مطرح شده است که: «آیات قرآن دارای ۷۰ بطن هستند!» یعنی غیر از معنای ظاهری که برای آیات متصور است ۷۰ بطن دارند! پس مستفاد از این مجموعه روایات این می‌شود که: هر آیه از قرآن ۷۱ معنا دارد؛ یک معنای ظاهری دارد و ۷۰ بطن.

مرحوم آخوند ذیل بررسی این نوع از روایات، این بحث را به صورت اجمالی مطرح کرده‌اند که: دلالت یک آیه قرآن در مثلاً معانی ۷۱ گانه از باب استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد نیست؛ بلکه ایشان گفته‌اند: «ممکن است مثلاً بگوییم از باب دلالت التزامی چنین دلالتی برای آیات قرآن متصور است.» حالا این را شما خودتان می‌توانید در کتاب کفایه یا سایر کتاب‌های اصولی پیدا کنید.



من فقط خواستم اشاره کنم که: اولاً: حرف مرحوم آخوند در این حوزه درست است. کدام بخش از حرف ایشان درست است؟ آنجا که ایشان می‌فرمایند: «دلالت لفظ در اکثر از معنای واحد عقلاً محال است»؛ اینجا حرف ایشان درست است. این نکته اول را خواستم اشاره کنم. و ثانیاً: خواستم اشاره کنم که بدانید وقتی مرحوم آخوند می‌خواهند "روایات بطون" را توضیح بدهند و بگویند که چگونه یک آیه یا یک روایت، دلالت بر معانی متعدد دارد؛ تعبیر ایشان این است که: «بطون هفتگانه یا هفتادگانه قرآن از باب دلالت التزامی است.» ایشان این طوری مسئله را توضیح می‌دهند و مثل بقیه بحث‌ها، این بحث هم در فضای اجمال باقی می‌ماند.

اما ما در فقه البیان آمده‌ایم نحوه دلالت جوامع الکلام بر معانی متعدد یا به تعبیر امام رضا (علیه السلام) بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها را به صورت تفصیلی توضیح داده‌ایم. بنابراین یکی دیگر از تفاوت‌های فقه البیان با اصول فقه موجود، اینجا واضح می‌شود که: ما نحوه دلالت جوامع الکلام بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها را یک مقدار تفصیلی‌تر [از اصول فقه موجود] توضیح داده‌ایم. بر خلاف مرحوم آخوند که به همین بحث اکتفا کرده‌اند که: نوع دلالت آیات و روایات مربوط به بطون، بر معانی هفتادگانه (یا طبق بعضی از روایات دیگر: بر معانی هفتگانه) از باب دلالت التزامی است. [ولی] ما یک مقدار تفصیلی‌تر توضیح داده‌ایم.

پس موضوع و سوال اصلی جلسه امروز ما این است که: می‌خواهیم نحوه دلالت جوامع الکلام (یا نحوه دلالت روایاتی که تاکید می‌کنند که آیات قرآن تک بُعدی نیستند؛ بلکه ظاهر دارند و باطن دارند و باطن آنها هم دارای حوزه‌های متعددی است) را شرح بدهیم. به عبارت دیگر: می‌خواهیم نحوه دلالت این نوع از آیات و روایات را بر معانی متعدد شرح بدهیم. و ببینیم که در مباحث فقه البیان این دلالت چگونه شرح داده شده است.



۲/۳. تبیین تفصیلی نحوه دلالت کلمات شارع بر معانی جامع در قواعد اصولی

فقه‌البیان (۷ الگو):

بینید در مجموع آن چیزی که ما الان در قواعد اصولی فقه البیان به آن دست پیدا کرده‌ایم این است که: ما در هفت الگو، نحوه دلالت جوامع الکلام بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها را شرح داده‌ایم. یعنی بضاعت مزجات ما در فقه البیان این است که: در واقع تا الآن هفت الگوی دلالت یک کلام واحد را بر معانی متعدد شرح داده‌ایم و راجع به آن‌ها صحبت کرده‌ایم. من ابتدا این الگوها را اجمالاً ذکر می‌کنم که یک کلام می‌تواند ذیل این هفت نوع الگو، دلالت بر مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی داشته باشد.

۲/۳/۱. اولین الگو: دلالت بر اساس قاعده بیان مبتنی بر «مُکث»

اولین الگوی دلالت، "الگوی مُکث" است. در این دوره من توضیح خواهم داد که "بیان مبتنی بر مُکث" چیست. اینجا [در جلسه امروز] فقط عرض می‌کنم که طبق قاعده بیان مبتنی بر مُکث، همیشه کلام [شارع] سه بُعدی است.

یعنی اگر شما یک بُعد از کلام مثلاً "بعد تعریفی" یک کلام [از کلمات شارع] را استعمال کنید؛ هم‌زمان همان کلام، "دلالت تصویری" بر مجموعه‌ای از فواید هم دارد. همچنین "دلالت تصمیمی" در مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی دیگر هم دارد.

یا اگر شما روی یک "تصمیم" شارع بایستید باز بحث به همین شکل است؛ [یعنی: این] تصمیم شارع، "دلالت تصویری" و "دلالت تعریفی" هم بر مجموعه‌ای از معانی دارد.

بنابراین در "الگوی دلالتی مُکث" بحث به این شکل است که: شما اگر روی "بعد تعریف شارع" بایستید، حتماً ذهن شما به این سمت سوق پیدا می‌کند که "فایده این تعریف" در بیان شارع چیست؛ بنابراین به این سمت می‌روید که "بخش تصویر یک تعریف" را در ادله فحص کنید. و نیز هم‌زمان به این سمت می‌روید که "بخش تصمیم مرتبط با تعریف" را بحث کنید.

فرقی هم نمی‌کند که شروع کلام شما از بخش "تعریف" باشد، یا بخش "تصویر" و یا بخش "تصمیم". بلکه از هر کجا که شارع کلام را شروع کرده باشد؛ اگر دقت کنید می‌بینید شارع به لازمه آن بخش،



دو بخش دیگر را هم در کلمات دیگر خود بحث کرده است. بنابراین شما اگر طبق قاعده بیان مبتنی بر مکث، خانواده روایت تشکیل دهید؛ می‌بینید که هر بخش از کلام شارع، هم‌زمان بر بخش‌های دیگر [هم] دلالت می‌کند.

بنابراین حتی اگر دلالت [کلمات شارع بر معانی متعدد] را هم **دلالت التزامی** بدانید؛ ما نوع دلالت التزامی را اینجا [در فقه البیان] شرح داده‌ایم و نیامده‌ایم به صورت اجمالی [بحث کنیم و فقط] بگوییم: «دلالت کلام شارع بر معانی متعدد از باب وضع لفظ در اکثر از معنای واحد نیست؛ بلکه از باب دلالت التزامی است.» ما اجمالاً بحث نکرده‌ایم؛ بلکه [به صورت تفصیلی بحث کرده‌ایم و] گفته‌ایم که: کلام شارع در بخش "تعریف"، در کنار کلام شارع در بخش "تصویر" و بخش "تصمیم"، مطرح شده است. و در واقع کلام [شارع] از هر جا که شروع شود، به مجموعه‌ای از کلمات دیگر ختم خواهد شد. پس این یک نوع از دلالت است.

من یک مثال بزنم تا بحث واضح بشود: ببینید در همین روایتی که من در جلسه قبل محضر شما از امام باقر (علیه السلام) تلاوت کردم؛ امام باقر (علیه السلام) در آن روایت فرمودند: «یک عرب بادیه‌نشین نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و از ایشان تقاضا کرد که یکی از **جوامع الکلام** را به او یاد بدهند.» تعبیر روایت این است که جناب قاسم بن سلیمان از امام صادق (علیه السلام) از امام باقر (علیه السلام) نقل کردند که: «**فَعَلَّمَنِي جَوَامِعَ الْكَلَامِ**» پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جواب چنین سوالی فرمودند: «**أَمْرُكَ أَنْ لَا تَغْضَبَ**»؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جواب چنین کلامی از بخش "تصمیم" شروع کردند و فرمودند من به تو امر می‌کنم که غضب نکنی. جواب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناظر به "تصمیم" بود.

پس ببینید جوابی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مقام [پاسخ به] سوال آن مرد بادیه‌نشین مطرح کردند این بود که: «**لَا تَغْضَبَ**» را به عنوان مصداقی از **جوامع کلام** مطرح کردند.

خب؛ این کلمه «**أَمْرُكَ أَنْ لَا تَغْضَبَ**» اصطلاحاً طبق قواعد مکث در فقه البیان، یک گزاره تصمیمی است. حال امام صادق به نقل از امام باقر (علیهما السلام) در شرح این کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه فرمودند؟ فرمودند: «**كَانَ أَبِي يَقُولُ أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنَ الْغَضَبِ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ فَيَقْتُلُ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَيَقْدِفُ الْمُحْصَنَةَ**» [این دو امام بزرگوار] آمدند **حيث جامعیت کلام** را در اینجا در دو



بخش توضیح دادند؛ فرمودند: «اگر کسی غضب نکند، کارش به قتل و همچنین به زدنِ تهمتِ ناروا کشیده نمی‌شود.» خب؛ این دو [کار(قتل و تهمت)] را وقتی ما بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که حیث جوامع الکلام [بودن] "لاتغضب" را امام باقر (علیه السلام) از حیث "تصویر" شرح داده‌اند. یعنی: دو فائده از فوائد این کلام جامع پیامبر (صلی الله علیه و آله) را توضیح دادند.

بینید این یک مثال فقهی مشخص است. حالا در همه حوزه‌ها دلالت به همین شکل است؛ یعنی: اگر یک کسی پرسد که: «چگونه می‌شود که [کلمات شارع که] جوامع الکلام [هستند]؛ دلالت بر معانی متعدد دارند؟» ما می‌گوییم: «یکی از الگوهای دلالت، "الگوی بیان مبتنی بر مُکث" است»؛ واقعاً اگر کسی مثلاً این یک تصمیم و امر پیشنهادی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را عملیاتی کند، هم‌زمان آن مجموعه از خیرها از باب فایده برای او به ارمغان خواهد آمد. پس این یک الگو است که حالا وقتی بحث ما به "بیان مبتنی بر مُکث" رسید، بیشتر در این مورد بحث خواهیم کرد.

۲/۳/۲. دومین الگو: دلالت بر اساس قاعده بیان مبتنی بر «رفق»

الگوی دوم دلالت جوامع الکلام بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها، الگوی پیشنهادی مطرح شده در "بیان مبتنی بر رفق" است. اینجا نیز وقتی در بخش "تصویر" کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) درایه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که "تصویر" و "فایده" مطرح شده در یک کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، یک فایده بسیط نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از فواید است و مجموعه‌ای از معانی را شامل می‌شود. حالا وقتی "الگوی بیان مبتنی بر رفق" را توضیح دادیم، این مطلب واضح‌تر می‌شود. می‌دانید کار "قاعده بیان مبتنی بر رفق" این است که: تنوع رفق‌ها، تنوع رحمت‌ها و تنوع فواید مطرح در کلام وحی را تحلیل می‌کند.

در واقع می‌توان گفت در "قاعده اصولی بیان مبتنی بر رفق"، ما "ساختار رحمانیت و رحیمیت الهی" را توضیح داده‌ایم. الآن ما اکتفا می‌کنیم به اینکه می‌گوییم خدای متعال رحمان و رحیم است. کمتر بحث ما به این سمت میل پیدا می‌کند که "تنوع رحمانیت و تنوع رحیمیت الهی" را بحث کنیم. این‌ها را کمتر می‌شکافیم. حالا "الگوی بیان مبتنی بر رفق" این توسعه را در "بحث‌های تمهیدیّه اجتهاد" داده است [بدین صورت] که: درک اولیه‌ای در ذهن طلبه درباره تنوع رفق‌ها و فواید حاکم بر تصمیمات شارع ارائه کرده است.



بنابراین شما وقتی این قاعده مُمَهَّده را می‌خوانید، می‌فهمید که وقتی شارع محترم یک فایده را مطرح کرده است؛ در واقع وقتی خود آن فایده را شرح بدهید، می‌بینید مجموعه‌ای از فواید است. بنابراین در قالب این قاعده هم ما می‌توانیم دلالت جوامع الکلام را بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها توضیح بدهیم. ان‌شاء‌الله وقتی الگوی قاعده اصولی بیان مبتنی بر رفق را توضیح دادم این الگوی دلالتی جوامع الکلام بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها بیشتر واضح خواهد شد.

۲/۳/۳. الگوهای سوم تا هفتم: دلالت بر اساس قاعده‌های بیان مبتنی بر «منزلت»، «انفتاح»،

«سیاق»، «کم» و «ظرفیت»

به همین شکل در "قاعده اصولی بیان مبتنی بر منزلت" هم مجموعه‌ای از دلالت‌ها نهفته است. در "قاعده اصولی بیان مبتنی بر انفتاح" باز مجموعه از دلالت‌ها بر معانی، خیرها و حکمت‌ها برای فقیه کشف می‌شود. در "الگوی حاکم بر قاعده بیان مبتنی بر سیاق" هم همین‌طور. در "الگوی دلالتی قاعده اصولی بیان مبتنی بر کم" نیز همین معنا حاصل می‌شود. و در نهایت در "الگوی دلالتی قاعده بیان مبتنی بر ظرفیت" هم همین معنا حاصل می‌شود.

پس وقتی می‌گوییم: «شارع محترم جوامع الکلام دارد»؛ نوع دلالت کلمات جامع پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها، به شکل استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد نیست. چون عرض کردیم آن خلاف تبیین و ابهام‌زدایی است. بلکه دلالت آن در این هفت محور تبیین می‌شود. یعنی اگر شما روی یکی از کلمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بایستید، می‌توانید آن کلمه را از هفت حیث شرح بدهید. هر شرحی هم که به آن کلام می‌دهید، مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها برای مخاطب شما واضح می‌شود. پس به این شکل جوامع الکلام یا آیات و روایات مرتبط با بطون، بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها دلالت دارند. اگر من این تعبیر را بکنم و فهم بشود تعبیر خوبی است و آن اینکه: «دلالت جوامع الکلام بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها، در فرآیند درایه واضح می‌شود و در الگوی مطرح شده در فقه البیان هفت فرآیند درایه‌ای وجود دارد.» که ما می‌توانیم این هفت فرآیند درایه‌ای را طی کنیم تا مجموعه‌ای از دلالت‌های شارع را ان‌شاء‌الله کشف کنیم.



حالا إن شاء الله اگر خدای متعال توفیق داد (که همین جا از خداوند توفیق مسئلت می‌کنم) و بحث ما به [بحث] شرح معاریض کلام [شارع] رسید؛ باز این معنا را إن شاء الله به صورت واضح‌تر مطرح خواهیم کرد.

موضوع بحث امروز ما "الگوی دلالت کلمات جامع بر معانی متعدد" بود؛ که عرض کردیم: هفت الگوی دلالت در کلمات جامع وجود دارد. البته مهم‌ترین آن هم دلالت‌های مطرح در "قاعده اصولی بیان مبتنی بر مُکث" است.



۳. رهایی از ناکار آمدی، تالی فاسد و هلاکت ناشی از تأسی به کلمات

بخشی دیگران؛ بخشی از فوائد (بخش تصویر) تبعیت از کلمات جامع شارع

خب؛ یک نوع دلالت دیگری نیز وجود دارد که این در واقع بخش تصویر و یا فواید توجه به جوامع الکلام است. اجازه بدهید این را بیشتر شرح بدهم.

اگر کسی بر روی کلمات جامع پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایستاد و به آن عمل کرد، یک اتفاقی در زندگی او خواهد افتاد؛ که عبارت از این است که: در وادی هلاکت و در وادی گمراهی (یا به تعبیر روایت:) در "وادی تَبَاب" نمی افتد. یعنی زندگی او به سمت صلاح حرکت می کند.

بینید من یک روایتی را از کتاب کافی جلد دوم انتخاب کرده ام که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این معنا را توضیح می دهند. در این روایت جناب سَلَام بن مُسْتَنبِر از امام باقر عن ابی جعفر (علیه السلام) روایت می کند که ایشان فرمودند: «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةً عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أُصَلِّي وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَ أَضْحِكُ وَ أَبْكِي؛ فَمَنْ رَغِبَ عَن مِّنْهَاجِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. وَ قَالَ: كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً وَ كَفَى بِالْيَقِينِ غَنًى وَ كَفَى بِالْعِبَادَةِ سُغُلًا» مفاد این روایت اینگونه است که: پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: آگاه باشید توجه کنید دقت کنید! که هر عبادت کننده ای در ابتدای کار خودش یک شور و هیجانی دارد. سپس آن شور و هیجان کاهش پیدا می کند و به یک فترت و آرامشی می رسد. هر عبادت کننده ای این طور است.

بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله) ادامه می دهند و می فرمایند: «فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةً عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى»؛ یعنی: توجه کنید! در آن دوران شور و هیجان که کسی عبادت می کند (و به تعبیر ناقص فارسی با یک انرژی بالایی عبادت می کند)؛ اگر الگوی عبادتش سنت من باشد (یعنی: بر اساس سبک و سنت عبادت من عبادت کند)؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: [در این صورت] «فَقَدْ اهْتَدَى»؛ [یعنی:] قطعاً چنین فردی به هدایت دست پیدا می کند. «وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي» اگر کسی برخلاف سنت من عمل کند، گمراه می شود. «وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ» عمل او در ورطه هلاکت و تباب می افتد؛ یعنی: آن عمل نه تنها سودی [برای او] ندارد؛ بلکه [برای او] وبال می شود و برای او دردسر درست می کند. بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: توجه کنید! من، هم نماز می خوانم،



هم می‌خواهیم، هم روزه می‌گیریم، هم افطار می‌کنم، هم می‌خندم، هم گریه می‌کنم. من همه این کارها را انجام می‌دهم. اگر یک وقتی در دوران عبادت قرار گرفتید این‌طور نباشد که بعضی از این‌ها را انجام بدهید و بعضی دیگر را انجام ندهید. روایت در نقد روش متصوّفه و روش مسیحیت در عبادت است. حضرت می‌فرماید: نه؛ عبادت باید طبق الگوی من باشد. الگوی من [هم به این صورت است که:] همه این‌ها همراه با هم هستند. نباید شما مثلاً همیشه غمگین باشید. نه؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم در شرایط "آبکی (گریه کردن)" بودند و هم در شرایط "أضحک (خندیدن)". [پس:] نباید همیشه روزه بگیرید؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعضی از روزها افطار داشتند، بعضی از روزها هم روزه می‌گرفتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) همه این‌ها را با همدیگر انجام می‌دادند. یعنی: در واقع الگوی عبادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) متفاوت بود با الگوی عبادت صوفی‌ها و الگوی عبادت مسیحی‌ها که عزلت و دوری از جامعه را انتخاب می‌کردند. روایت در نقد آن‌ها است.

بعد یک عبارتی دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «فَمَنْ رَغِبَ عَنِ مِنْهَاجِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» اگر دیدی کسی ادعای مسلمانی دارد ولی منهای و سنت من را رعایت نمی‌کند؛ او از من نیست.

و بعد ادامه دادند: «كَفَى بِالْمُوتِ مَوْعِظَةً» اگر خواستید خودتان را موعظه کنید یاد مرگ کفایت می‌کند. یاد مرگ باشید خود مرگ بهترین موعظه است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اینکه یاد مرگ بیفتید و به قبرستان بروید، برای موعظه کفایت می‌کند، و کافی است برای اینکه شما خودکنترلی را به دست بیاورید. [یاد مرگ] خیلی موعظه مهمی است.

[در ادامه] می‌فرماید: «و كَفَى بِالْيَقِينِ غِنًى»؛ [یعنی:] اگر خواستید فقر درونی شما مرتفع شود به دنبال یقین باشید و مشغولیت اصلی خود را عبادت خدا قرار بدهید نه کارهای دیگر؛ حالا در این روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) این مسئله را توضیح دادند که: اگر شما به سنت پیامبر عمل کنید، از عمل هلاک‌کننده و عمل «فی تَبَاب» و عمل گمراه‌کننده نجات پیدا می‌کنید. یعنی چه؟ یعنی: عمل شما تالی فاسد پیدا نمی‌کند. این هم یک حیثی است از حیث‌های جوامع الکلام است که اگر کسی روی کلمات پیامبر بایستد در وضعیت "تَبَاب" و در وضعیت "ضلال" قرار نمی‌گیرد. به اصطلاح امروزی، عمل او تالی فاسد پیدا نمی‌کند. مثلاً: تالی فاسد در حوزه روابط انسانی، تالی فاسد در حوزه زیست محیطی و تالی فاسد در حوزه اخلاقی. در حوزه‌های مختلف عمل او به تالی



فاسد مبتلا نمی‌شود. در حالی که نگاه‌های بخشی دیگران، منجر به عملی می‌شود که "تَبَاب" دارد. یعنی آدم را به هلاکت می‌رساند. یا در اعمال خودشان و پیشنهادهای خود تالی فاسدهای متعددی را به ارمغان می‌آورد. چون نگاه نگاه بخشی است. نگاه جامع نیست. تمام نظریات مدرن الآن در عصر ما همین طوری هستند. چون مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها در اصطلاحات حاکم بر آن نظریات وجود ندارد؛ لذا اگر شما به یک نظریه مدرن عمل کنید، مجموعه‌ای از تالی فاسدها به ارمغان می‌آید. الآن تالی فاسدهای زیست محیطی نتیجه همین کلمات بخشی مدرنیته و کلمات بخشی علوم پوزیتیویستی هستند.

پس ببینید در این روایت که به عنوان نمونه اینجا بحث کردم در واقع یک حیثی از جوامع الکلام بودن کلمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطرح شده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اگر به سنت من عمل کنید - حالا سنت پیامبر ذیل یک کلماتی که جوامع الکلام است برای ما بیان شده است - شما به وضعیت ضلال، تَبَاب، هلاکت و تالی فاسد مبتلا نمی‌شوید.

۴. خلاصه جلسه:

این یک توضیح اندکی بود که من در جلسه امروز راجع به الگوی دلالت "جوامع الکلام" بر معانی متعدد محضر شما ارائه دادم و توضیح دادم که ما چگونه قواعد مُمَهَّدَة کفایه را در این حوزه توسعه داده‌ایم. اینکه شما بگویید «کلمات شارع، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد نیستند»؛ این حرف درستی است و مرحوم آخوند به نظر ما اینجا به صواب رفته‌اند. اما آنجایی که خواستند نحوه دلالت کلمات جامع شارع و روایات حوزه بطون بر معانی متعدد را توضیح بدهند، فقط به این اکتفا کردند که بگویند: «این دلالت از باب دلالت التزامی است» ولی نوع دلالت را شرح ندادند. در حالی که ما در فقه البیان با هفت الگو، مسیر دلالت جوامع الکلام بر معانی کثیر و بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها را توضیح دادیم. که حالا إن شاء الله وقتی درس خارج صلات و حج را و در مجموع درس خارج فرائض خمس را بیشتر مطرح کردیم، شما خواهید دید که هر کدام از این کلمات جامع پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها دلالت دارند. البته در نظریات فعلی مدرسه هم از همین الگوهای دلالتی استفاده کرده‌ایم و این بحث‌ها را شرح داده‌ایم. امیدوارم در درس‌های آینده بتوانیم شرح تفصیلی بیشتری ارائه بدهیم.



درخصوص اولین سوال این دوره بحثی که در زمینه انتقادات وارد بر اصول فقه موجود بود؛ که این سوال عبارت است از اینکه: «آیا زبان شارع امضایی است و یا تأسیسی؟» یک مسائل دیگری مطرح است که إن شاء الله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.


پس ببینید آن سوال دارد پاسخ خودش را پیدا می‌کند که: «کلام شارع امضایی نیست؛ بلکه تأسیسی است.» «حیث اول تأسیس این است که: کلمات شارع بر خلاف سایر عرف‌ها و زبان‌ها بر معانی متعدد و بر معانی کثیره دلالت دارد. و همچنین الگوی دلالت کلام شارع، در خود کلام شارع تبیین شده است. حال ما سوال می‌پرسیم که: چنین الگویی، بر کدام یک از زبان‌های موجود، حاکم است؟ که شما این ادعا را مطرح می‌کنید که شارع با زبان عرف زمان تخاطب خودش حرف زده است؟! به نظر ما، این حرف [که زبان شارع همان زبان عرف زمان تخاطب است] مخدوش است. البته ادله دیگری هم وجود دارد که إن شاء الله در آینده به آن اشاره خواهیم کرد. از اینکه عرائض برادر کوچک خود را استماع می‌فرمایید از همه شما تشکر می‌کنم.

و الحمد لله رب العالمین

بخشی از متن:

این یک توضیح اندکی بود که من در جلسه امروز راجع به الگوی دلالت "جوامع الکلام" بر معانی متعدد محضر شما ارائه دادم و توضیح دادم که ما چگونه قواعد مُمَهَّدَة کفایه را در این حوزه توسعه داده‌ایم. اینکه شما بگویید «کلمات شارع، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد نیستند»؛ این حرف درستی است و مرحوم آخوند به نظر ما اینجا به صواب رفته‌اند. اما آنجایی که خواستند نحوه دلالت کلمات جامع شارع و روایات حوزه بطون بر معانی متعدد را توضیح بدهند، فقط به این اکتفا کرده‌اند که بگویند: «این دلالت از باب دلالت التزامی است» ولی نوع دلالت را شرح ندادند. در حالی که ما در فقه البیان با هفت الگو، مسیر دلالتِ جوامع الکلام بر معانی کثیر و بر مجموعه‌ای از خیرها و حکمت‌ها را توضیح دادیم.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه هدایت m-hedayat.blog.ir 

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou 